

خلقت جهان از نگاه تفاسیر شیعه و سنی

در این نوشتار ابتدا با توجه به آیات مبارکه قرآن کریم و تفسیر آنها دفعی یا تدریجی بودن خلقت نخستین را بررسی خواهیم کرد و سپس به حل تعارض ظاهری بین برخی از آیات که به این موضوع اشاره دارند می پردازیم.



در این نوشتار ابتدا با توجه به آیات مبارکه قرآن کریم و تفسیر آنها دفعی یا تدریجی بودن خلقت نخستین را بررسی خواهیم کرد و سپس به حل تعارض ظاهری بین برخی از آیات که به این موضوع اشاره دارند می پردازیم. مسأله آفرینش؛ مبدأ و کیفیت آن، از مهمترین مسائلی بود که همواره ذهن بشر را فارغ از اعتقادات دینی اش در طول تاریخ به خود معطوف می ساخت. بخش اعظمی از کتب مقدس ادیان الهی و حتی غیر الهی، به مسأله خلقت و مسائل مربوط به آن پرداخته اند. در این نوشتار ابتدا با توجه به آیات مبارکه قرآن کریم و تفسیر آنها، دفعی یا تدریجی بودن خلقت نخستین را بررسی خواهیم کرد و سپس به حل تعارض ظاهری بین برخی از آیات که به این موضوع اشاره دارند می پردازیم و در آخر به ذکر اشکالات و احتمالاتی که در طول تاریخ به مسأله خلق عالم در 6 روز وارد شده است پرداخته و نظر صحیح و نزدیک به واقع را معین خواهیم کرد. از نظر قرآن، خلقت تدریجی بود یا دفعی؟ چگونه است که در برخی آیات تصریح دارد بر خلقت زمین و آسمان ها در مدت شش روز و در برخی دیگر می فرماید که هر گاه خداوند اراده کند چیزی را، آن چیز کن فیکون شده و آنی موجود می شود؟ ما در 8 جای قرآن می بینیم که قرآن صراحت دارد بر خلقت عالم در 6 روز و در برخی از آیات دیگر نیز اشاره دارد به خلقت دفعی و اصطلاحاً کن فیکونی هر چیزی که خداوند اراده نماید. حال سوال اینجاست که:

اولاً: آیا بین این آیات اختلاف و تعارض نیست؟

ثانیاً: چرا خداوند متعال جهان را در 6 روز خلق کرد؟ آیا نمی توانست در یک لحظه خلق کند؟

ثالثاً: منظور از 6 روز در این آیات چیست؟ در حالی که قبل از خلقت روز و شب معنا نداشت!

در این تحقیق بیش از هر چیزی دو واژه «خلق» و مشتقات آن و واژه «أمر» به کار رفته است. بدیهی است که برای جلوگیری از اشتباه در رساندن مطالب، تعریف این دو واژه ضروری می نماید.

تعریف خلق

«اصلش اندازه گیری و تدبیر و نظم مستقیم و استوار در امور است. واژه خلق در معنی نو آفرینی و ایجاد چیزی بدون اینکه آن چیز سابقه وجودی داشته باشد و ایجادش بدون نمونه داشتن باشد، به کار می رود.» [1]

تعریف أمر

«در دو معنای چیز و کار استفاده می شود. فعل این ماده را(أمرته) زمانی به کار می برند که شخصی را مکلف کرده باشند چیزی را انجام دهد.

مثال برای چیز(شیء): إِلَيْهِ يَرْجِعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ / هود 123 و مثال برای کار: وَ شاورَهُمْ فِي الْأَمْرِ / آل عمران 159

در برخی از آیات نیز أمر، لفظی است عام برای همه افعال و اقوال: إِلَيْهِ يَرْجِعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ / هود 123

ابداع و سرآغاز کار آفرینش را نیز أمر گفته اند که مخصوص خدای تعالی است: أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ / اعراف 54. [2]

تفاوت خلق و أمر

در بین مفسران در مشخص کردن معنای این دو کلمه و تفاوت آنها در بیان خداوند متعال، اختلاف است؛ ولی آنچه که به نظر می رسد با سیاق آیات متناسب تر است، این است که بگوییم: «خلق یعنی ایجاد اولیه یک چیز و أمر یعنی تدبیر و اداره آن شیء» [3]

آیات خلقت در قرآن

در این بحث(خلقت دفعی یا تدریجی) معمولاً تعداد 17 آیه اصلی مورد استناد قرار می گیرد که تقریباً همه آنها دارای واژگان مشابهی هستند؛ برای استفاده خوانندگان عزیز، آدرس همه آنها را ذکر می کنیم.

آیات دلالت کننده بر خلقت تدریجی در طول 6 روز:

* سوره اعراف / آیه 54: «إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ»

* سوره یونس / آیه 3: «إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ ذَلِكَ اللَّهُ رَبَّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ»

* سوره هود / آیه 7: «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيُبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَلَئِنْ قُلْتُمْ إِنَّكُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ»

* سوره فرقان / آیه 59: «الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ الرَّحْمَنُ؟ نُفَاسِلُ بِهِ حَبِيرًا»

* سوره سجده / آیه 4: «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَ لَا شَفِيعٍ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ»

* سوره ق / آیه 38: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا مِنْ لُغُوبٍ»

* سوره حدید / آیه 4: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»

* سوره فصلت / آیات 9 و 10 و 12: «قُلْ أَنتُمْ لَكُمْ قُرُونٌ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُ أَثْدَادًا ذَلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ» 9
«وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلنَّاسِ لِيَأْكُلُوا» 10
«فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَحِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ» 12

آیاتی که دلالت دارند بر اینکه جهان آفرینش با اراده قطعی خداوندی و با امر کن فیکون لحظه ای موجود شده اند:

* بقره / 117: «بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»

* آل عمران / 47 و 59: «قَالَتْ رَبِّ أَتَىٰ يَوْمِي وَلَمْ يُمْسَسْنِي بَشَرٌ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» 47

«إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» 59

* نحل / 40: «إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»

* مريم / 35: «مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ سُبْحَانَهُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»

* يس / 82: «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»

* غافر / 68: «هُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ فَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»

خلقت در قرآن کریم

در نگاه اول می توان با توجه به آیات ذکر شده و روایات زیادی که در این باب از معصومین (ع) وارد شده است [4] و اجماع مفسران شیعه و سنی، بگوئیم که خلقت عالم تدریجی و در طول شش روز بوده است. خود این تدریجی بودن، حکمتی دارد که برخی روایات از خاصه و عامه [5] به آن اشاره کرده است.

چنانچه از امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده که: «اگر می خواست همه را در کمتر از چشم به هم زدن آفریند، می آفرید؛ ولی پس انداختن و مدارا را نمونه ای آورد برای امنایش و حجتی نمود بر آفریده هایش.» [6]

سوال اصلی اینجاست که مگر خداوند متعال نفرموده است که هر گاه اراده کند ایجاد چیزی را، آن چیز لحظه ای موجود می شود؟ پس چگونه گفته می شود که خدای قادر متعال عالم را در طول 6 روز خلق کرده است؟

در جواب این پرسش مفسران جواب ها و توجیهات متفاوتی را مطرح کرده اند که ما همه آنچه را که به دست آورده ایم ذکر می کنیم و آنها را که بی اشکال یا کم اشکال تر هستند، انتخاب می کنیم؛ برخی معتقدند: تدریج و دفعی بودن هر دو از لحاظ های متفاوت است! یعنی هر گاه خلقت را نسبت به خدا می سنجیم، دفعی است (چون زمان و مهلت و اسباب در ذات و افعال خدا معنا ندارد) و هر گاه این موجودات را نسبت به همدیگر و اسباب و علل می سنجیم، تدریجی می شود؛ چون ماده برای تکون و تکامل و تبدیلیش نیازمند حرکت است و حرکت همان اجزای به هم پیوسته زمان هستند و هیچ حرکتی بدون زمان قابل تصور نیست. [7]

برخی نیز می گویند: آنچه در قرآن ذکر شده، این است که هر چه را که خدا اراده کند، در همان لحظه محقق می شود؛ ولی این منافات ندارد با اینکه خداوند اراده کند عالم را در 6 روز خلق کند.

یعنی خداوند متعال به آسمان ها و زمین و هر چه مابین آن هاست، دستور داده است که در مدت 6 روز موجود شوید و آنها نیز مسخر و مقهور اراده خدا بوده و از همان لحظه امر الهی شروع به تحقق می کنند. [8]

و نیز گفته شده است: هر جزئی از این خلقت در مرحله ای که قرار بود موجود شود، به امر کن فیکونی خدا موجود شده است. [9] اینها نظرانی بود که برای حل تعارض ظاهری بین این آیات از سوی مفسران ارائه شده است. اگر با دیده انصاف بنگریم، خواهیم فهمید که در واقع بین گزاره «خلق کردیم زمین و آسمان ها را در طول 6 روز» و گزاره «هر گاه اراده کنیم چیزی را، می گوئیم باش، پس می شود» تعارضی نیست و رابطه اینها از نظر منطقی رابطه عام و خاص مطلق است.

یعنی هر خلقتی در هر بازه زمانی، مصداقی از امر الهی است؛ ولی امر الهی می تواند هم در محدوده زمان قرار گیرد و هم فوق زمان و دفعی و لحظه ای باشد.

پس با چند طریق می توان این شبهه را رفع کرد که بین آیات قرآن تعارض و تنافی وجود ندارد و خلق تدریجی و دفعی، هر کدام از یک منظر صحیح بوده و واقع شده است.

ولی اینجا سؤال دیگری پیش می آید و آن این که: چرا خداوند متعال با وجود قدرت بر خلق دفعی و لحظه ای، عالم را در طول 6 روز و به تدریج خلق کرد؟

آنچه که از روایات وارد شده از معصومین (ع) به عنوان مفسران اصلی قرآن، استفاده می شود و مفسران خاصه و عامه هم در تفاسیر خود به این مطلب اشاره کرده اند، این است که: عمده ترین دلیل تدریجی بودن خلقت این بوده است که بندگان و مخلوقات تألی و صبر و

پایداری را در تمام امور یاد گیرند.[10]

در روایتی از امیرالمومنین(ع) نقل شده است که فرمودند: «وَلَوْ شَاءَ أَنْ يَخْلُقَهَا فِي أَقَلِّ مِنْ لَمْحِ الْبَصَرِ لَخَلَقَ وَ لَكِنَّهُ جَعَلَ الْإِنَاءَ وَ الْمُدَارَاهَ مِثَالًا لِأَمْتَائِهِ وَ إِيحَابًا لِلْحُجَّةِ عَلَى خَلْقِهِ؛ اگر می خواست همه را در کمتر از چشم به هم زدنی آفریند می آفرید. ولی پس انداختن و مدارا را نمونه ای آورد برای امنایش و حجتی نمود بر آفریده هایش»[11]

مفسران شیعی و سنی در کتاب های خویش علاوه بر علت قبلی، هر کدام بنا بر فهم و ذوق عقلی خویش، توجیهات و علت های دیگری نیز برای خلقت تدریجی ارائه داده اند که اکثر آنها جواب های ذوقی و یا استحسانات عقلی است. ولی چون برخی از این جواب ها نکات جالبی دارد، برخی از آنها را ذکر می کنیم:

1) خلقت تدریجی بیشتر نشان گر حکمت و تدبیر الهی است.[12]

2) خلق تدریجی عالم دلیل است بر اختیار و اراده خالق. چون اگر جهان دفعی خلق می شد، برخی گمان می کردند که خلقت عالم امری اجباری بود و خداوند مجبور بود تا عالم را خلق کند.[13]

3) اگر عالم به طور دفعی خلق می شد، برخی گمان می کردند که این عالم و ایجاد آن بدون خالق با شعور و به طور اتفاقی بوده است.[14] (که برخی از دهی ها-مادی گرایان- این گونه معتقدند!)

4) تا بر ملائکه ظاهر شود خلق خدای تعالی شیء بعد شیء تا استدلال کنند به وسیله حدوث هر حادثی به وجود خداوند متعال و قدرت کامله او.[15]

و توجیهات دیگری که مشهور نبوده و نیازی به ذکر آنها نیست. علاقه مندان می توانند به منابع معرفی شده در آخر این مقاله رجوع کنند.

برای هر یک از نظرات بالا، روایاتی نیز به عنوان موید ذکر شده است و طبیعی است که قرار نیست افعال خداوندی فقط یک هدف داشته باشد؛ بلکه می توان چندین غرض را برای آن در نظر گرفت و هر یک از آنها را هم صحیح دانست.

هر یک از روایات وارد شده در این باب، متناسب با فهم مخاطب به بیان گوشه ای از این اهداف پرداخته است. پس از روشن شدن کیفیت خلق جهان و نیز هدف خداوند از تدریجی آفریدن دنیا، سوال دیگری که به ذهن مخاطب خطور می کند این است که: منظور از "یوم" که در همه آیات ذکر شده است، «...فی سِئَةِ أَيَّامٍ» چیست؟

می دانیم که روز یعنی طلوع تا غروب خورشید؛ ولی قبل از خلقت آسمان ها و خورشید و زمین، مگر روز و شب وجود داشت؟!

و سوالی مهم تر این که: چگونه ممکن است معتقد شد زمینی که به گفته دانشندان در طول میلیون ها سال ایجاد شده است، در 6 روز خلق شده باشد؟! در جواب به این سؤال ها بهتر است ابتدا کمی با لغت "یوم" و معانی آن در زبان عربی آشنا شویم.

"یوم" در لغت عرب فقط به معنای "روز" در برابر شب به کار نرفته است؛ بلکه "یوم" به معنی مطلق وقت و زمان نیز در کلام الله و کلام عرب استعمال شده است. کتب لغت معروف عرب به این مسأله اشاره و تصریح دارند. گاهی اوقات منظور از کلمه یوم، مدتی از زمان به هر مقداری که باشد، است.[16] در مثل عبارت: أَنَا الْيَوْمَ أَفْعَلُ كَذَا، منظور روز عرفی نیست؛ بلکه وقت و زمان حاضر را گویند.[17]

در زبان عربی، عرفاً یوم را اطلاق می کنند بر زمان و وقت؛ چه روز باشد چه شب.[18] مدتی از زمان و وقت را نیز یوم گویند.[19] پس حال که فهمیدیم «یوم» فقط به معنای روز اصطلاحی (از طلوع تا غروب خورشید) نیست، پس منظور از یوم و «...فی سِئَةِ أَيَّامٍ» چیست؟ مفسران در جواب به این سؤال نظرات متفاوتی دارند؛ از جمله: منظور از 6 روز، 6 مرحله خلقت است.[20]

در توجیه این نظر برخی گفته اند: یعنی خداوند مجموعه جهان را در شش دوران متوالی آفریده است؛ هر چند این دوران ها گاهی به میلیون ها یا میلیارد ها سال بالغ شده است و علم امروز هیچ گونه مطلبی را که مخالف این موضوع باشد بیان نکرده است. احتمال دارد که این دوران های ششگانه، به ترتیب ذیل بوده باشد:

1- روزی که همه جهان به صورت توده گازی شکلی بود که با گردش به دور خود از هم جدا گردید و کرات را تشکیل داد.

2- این کرات تدریجاً به صورت توده مذاب و نورانی و یا سرد و قابل سکونت در آمدند.

3- روز دیگر منظومه شمسی تشکیل یافت و زمین از خورشید جدا شد.

4- روز دیگر زمین سرد و آماده حیات گردید.

5- سپس گیاهان و درختان در زمین آشکار شدند.

6- سرانجام حیوانات و انسان در روی زمین ظاهر گشتند.[21]

منظور از 6 روز، وجود خارجی روزهای دنیایی نیست؛ بلکه مدت زمانی است که به مقدار 6 روز دنیایی است.[22]

منظور این است که هر چند قبل از خلق کهکشان ها و خورشید ماه، روز و شب معنا نداشت؛ ولی مطمئناً زمان بود، پس آن مقدار زمانی که صرف خلق عالم شده است، پس از اعتبار روز و شب، معادل 6 روز و شب دنیایی شده است.

منظور از 6 روز، روزهای خداوندی (ربوبی) است که هر روز آن معادل هزار سال [23] دنیایی است.[24]

با مراجعه به این نظریات و کتب تفسیری، می فهمیم که در این باب هم به غیر از برخی روایات مبهم که آن هم به قول برخی از مفسران جزو اسرائیلیات بوده و معتبر نیست [25] ادله دیگری وجود ندارد و همه این نظرات تخمین و گمان و زائیده استحسانات و ذوق عقلی مفسران است.

به نظر برخی از مفسران بحث و تعمق فکر در این بحث (تعیین منظور از 6 روز) مغایر با غرض قرآن (تربیت و تزکیه) بوده و صحیح نیست. [26] چون ما راهی برای فهمیدن این مسأله که رازی از اسرار الهی است نداریم و علم به این مسائل فقط نزد خداست. [27]

نتیجه گیری

پس از بررسی 17 آیه مورد بحث و نیز تامل در نظریات بیش از 30 تفسیر متفاوت از شیعه و سنی، آنچه که از این پژوهش به دست آمد، این بود که:

(1) بین آیاتی که خلقت جهان را در 6 روز معرفی می کنند و آیاتی که خلقت الهی را آنی و دفعی می دانند، تعارضی نیست و رابطه اینها از نظر منطقی رابطه عام و خاص مطلق است؛ یعنی هر خلقتی در هر بازه زمانی مصداقی از امر الهی است؛ ولی امر الهی می تواند هم در محدوده زمان قرار گیرد و هم فوق زمان و دفعی و لحظه ای باشد.

(2) عمده ترین دلیل تدریجی بودن خلقت، این بوده است که بندگان و مخلوقات تأثی و صبر و پایداری را در تمام امور یاد گیرند.

(3) منظور از «یوم» در آیات، نه یک روز عرفی، بلکه مطلق زمان هم می تواند باشد.

(4) منظور از 6 روز خلق جهان را می توان یا 6 مرحله خلقت یا معادل 6 روز دنیایی و یا 6 روز از روزهای ربوبی که هر روزش معادل هزار سال دنیایی است، دانست.

در خاتمه ذکر این نکته ضروری است که جواب این گونه سوالات در عرف مسلمانان و دین مداران زمان رسول الله (ص) و معصومین (ع)، با زبان درون دینی و بدون استدلالات فنی و عقلی بیان می شد؛ چون فهمیدن این مسائل مورد توجه اولیای دین و متشرعین و هدف اصلی شارع مقدس نبوده است. بنابراین هم در کلام الله مجید و هم بیانات معصومین (ع)، جواب به این گونه سوالات به صورت کوتاه، گذرا و با زبان تمثیل و اشاره بوده است.

928/702/ر

صابر جعفرزاده

منابع

قرآن کریم

1. بحارالانوار، مجلسی، محمدباقر، اسلامی، تهران.
2. المیزان فی تفسیر القرآن، طباطبائی، سیدمحمدحسین، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، 1417 ق. چاپ پنجم.
3. معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، بغوی، حسین بن مسعود، دار احیاء التراث العربی، بیروت، 1420 ق. چاپ اول.
4. تفسیر جوامع الجامع، طبرسی، فضل بن حسن، دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، تهران، 1377 ش، چاپ اول.
5. تفسیر روان جاوید، ثقفی تهرانی، محمد، انتشارات برهان، تهران، 1398 ق. چاپ سوم.
6. تفسیر روشن، مصطفوی، حسن، مرکز نشر کتاب، تهران، 1380 ش. چاپ اول.
7. تفسیر شریف لاهیجی، شریف لاهیجی، محمدبن علی، دفتر نشر داد، تهران، 1373 ش. چاپ اول، تحقیق محدث ارموی.
8. مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر، حائری تهرانی میر سید علی، دار الکتب الاسلامیه - تهران، 1377 ش.
9. تفسیر عاملی، عاملی، ابراهیم، انتشارات صدوق، تهران، 1360 ش. تحقیق: علی اکبر غفاری.
10. تفسیر آسان، نجفی خمینی، محمدجواد، انتشارات اسلامی، تهران، 1398 ق. چاپ اول.
11. تفسیر شبر، شبر، سیدعبدالله، دارالبلاغه للطباعة والنشر، بیروت، 1412 ق. چاپ اول.
12. تفسیر اثنی عشری، حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، نشر میقات، تهران، 1363 ش. چاپ اول.
13. تفسیر هدایت، محمد تقی مدرسی (گروه مترجمان)، آستان قدس رضوی، مشهد، 1377 ش. چاپ اول.
14. مخزن العرفان در تفسیر قرآن، بانوی اصفهانی، سیده نصرت امین، نهضت زنان مسلمان، تهران، 1361 ش.
15. جلاءالاذهان و و جلاءالاحزان، جرجانی، ابوالمحاسن حسین بن حسن، دانشگاه تهران، تهران، 1377 ش، چاپ اول.
16. تفسیر بیان السعاده فی مقامات العباد، گنابادی، سلطان محمد، اعلمی للمطبوعات، بیروت، 1408 ق، چاپ دوم.
17. زادالمسیر فی علم التفسیر، ابن جوزی ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، دار الکتب العربی، بیروت، 1422 ق، چاپ اول. تحقیق: عبدالرزاق المهدی.
18. الفواتح الإلهیه و المفاتیح الغیبیه، نخجوانی نعمت الله بن محمود، دار رکابی للنشر، مصر، 1999 م، چاپ اول.

19. كشف الأسرار و عده الأبرار، رشيدالدين ميبدی، احمد بن ابی سعد ، انتشارات امير کبير، تهران، 1371 ش، چاپ پنجم، علی اصغر حکمت.
20. فی ظلال القرآن، سيد بن قطب بن ابراهيم شاذلی، دارالشروق، بيروت- قاهره، 1412 ق، چاپ هفدهم.
21. لباب التأويل فی معانی التنزيل، بغدادی علاء الدين علی بن محمد ، دار الكتب العلميه، بيروت، 1415 ق، چاپ اول.
22. مراج لبید لکشف معنی القرآن المجید، نووی جاوی محمد بن عمر، دار الكتب العلميه - بيروت، 1417 ق. چاپ اول.
23. أنوار التنزيل و أسرار التأويل، بیضاوی عبدالله بن عمر، دار احیاء التراث العربی، بيروت، 1418 ق، چاپ اول.
24. البحرالمحیط فی التفسیر، اندلسی ابوحیان، محمد بن یوسف، دارالفکر، بيروت، 1420 ق .
25. تفسیر بحرالعلوم ، سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد، دارالفکر، بيروت، 1416 ق، چاپ اول .
26. التحرير والتنوير .ابن عاشور محمد بن طاهر، بی جا، بی تا، بی نا .
27. تفسیر الجلالین، جلال الدين محلی / جلال الدين سيوطی، مؤسسه النور للمطبوعات، بيروت، 1416 ق، چاپ اول.
28. التفسیر الواضح ، حجازی، محمد محمود، دارالجيل الجديد، بيروت، 1413 ق، چاپ دهم.

پی نوشت ها

-
- [1] . ترجمه مفردات راغب اصفهانی/ ج 1 / ص 632 .
 - [2] . قاموس قرآن/ قریشی / ج 1 / ص 109 -- و -- ترجمه مفردات راغب اصفهانی/ ج 1 / ص 200 .
 - [3] . تفسیر نمونه/ مکارم شیرازی/ ج 6 / ص: 207 .
 - [4] . بحارالانوار/ ج 54 / روایات کتاب السماء و العالم .
 - [5] . معالم التنزيل فی تفسیر القرآن/ بغوی حسین بن مسعود/ ج 2 / ص 197 .
 - [6] . آسمان و جهان/ ترجمه کتاب السماء و العالم بحارالانوار/ ج 1 / ص 8 .
 - [7] . المیزان/ طباطبایی/ ج 3 / ص 334 -- تفسیر الکاشف/ مغنیه / ج 3 / ص 339 -- مراج لبید لکشف معنی القرآن المجید/ محمد بن عمر نووی/ ج 1 / ص 375 .
 - [8] . كشف الاسرار و عده الابرار/ رشيدالدين ميبدی/ ج 3 / ص 630 .
 - [9] . كشف الاسرار و عده الابرار/ رشيدالدين ميبدی/ ج 3 / ص 630 .
 - [10] . تفسیر اثنی عشری/ شاه عبدالعظیمی/ ج 4/ ص 87 -- ترجمه جوامع الجامع / طبرسی / ج 2 / ص 329 --- تفسیر الصافی/ فیض کاشانی / ج 2 / ص 203 --- بحرالعلوم / سمرقندی / ج 1 / ص 520 --- تفسیر عاملی / ابراهیم عاملی / ج 4 / ص 165 --- لباب التأویل فی معانی التنزيل / بغدادی/ ج 2 / ص 207 --- محاسن التأویل/ قاسمی/ ج 5 / ص: 69 --- زاد المسیر فی علم التفسیر / ابن جوزی / ج 2 / ص 127 --- مراج لبید لکشف معنی القرآن المجید / نووی / ج 1 / ص 375 --- معالم التنزيل فی تفسیرالقران / بغوی / ج 2 / ص 197 --- انوار التنزيل و اسرار التأویل / بیضاوی / ج 3 / ص 16 --- تفسیر الجلالین/ محلی و سیوطی / ص 160 .
 - [11] . بحارالانوار/ ج 54 / ص 6 .
 - [12] . جوامع الجامع/ طبرسی/ ج 1 / ص 441 --- تفسیر نمونه/ مکارم / ج 6 / ص 203 --- زاد المسیر فی علم التفسیر/ ابن جوزی / ج 2 / ص 127 --- التحرير والتنوير / ابن عاشور / ج 8 / ص 124 .
 - [13] . تفسیر شبر/ ج 1 / ص 175 --- تفسیر اثنا عشری / ج 4 / ص 86 --- جلاءالاذهان و و جلاءالاحزان / جرجانی / ج 3 / ص 182 --- انوار التنزيل و اسرار التأویل / بیضاوی / ج 3 / ص 16 --- بحارالانوار / ج 54 / ص 6 .
 - [14] . تفسیر اثنا عشری/ ج 4/ ص 86 --- لباب التأویل فی معانی التنزيل/ بغدادی/ ج 2 / ص 207 --- زاد المسیر فی علم التفسیر/ ابن جوزی / ج 2 / ص 127 .
 - [15] . روان جاوید / ثقفی تهرانی / ج 2 / ص 434 --- تفسیر شریف لاهیجی/ ج 2 / ص 43 --- بحارالانوار / ج 10 / ص 299 / باب 19 .
 - [16] . المفردات / راغب اصفهانی/ ص 894 .
 - [17] . لسان العرب / ابن منظور / ج 12 / ص 649 .
 - [18] . التحقيق / مصطفى / ج 14 / ص 279 .
 - [19] . قاموس القرآن / قریشی/ ج 7 / ص 280 .
 - [20] . بحارالانوار / ج 54 / ص 6 و ص 73 --- تفسیر الکاشف / مغنیه / ج 3 / ص 339 ، تفسیر هدايت / مدرّسی / ج 3 / ص 290 --- تفسیر آسان / نجفی خمینی/ ج 5 / ص 227 --- الفواتح الإلهیه و المفاتيح الغیبیه / نخجوانی / ج 1 / ص 252 --- تفسیر عاملی/ ج 4 / ص 165 --- انوارالتنزيل و اسرارالتاویل / بیضاوی / ج 3 / ص 16 .
 - [21] . تفسیر نمونه/ مکارم / ج 6 / ص 202 .
 - [22] . بحارالانوار/ ج 54/ ص 73 و ص 6 --- شریف لاهیجی/ ج 2/ ص 43 --- تفسیر عاملی / ج 4 / ص 165 --- بحرالعلوم / سمرقندی / ج 1 / ص 520 --- التحرير والتنوير / ابن عاشور / ج 8 / ص 124 --- مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر / حائری تهرانی / ج 8 / ص 256 --- تفسیر شبر/ ج 1 / ص 175 --- انوارالتنزيل و اسرارالتاویل / بیضاوی / ج 3 / ص 16 --- تفسیرالجلالین / محلی و سیوطی / ص 160 --- لباب التأویل فی معانی التنزيل / بغدادی / ج 2 / ص 206 .

- [23]. سجده / 5 : « يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يُعْرِجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ »
- [24]. تفسیر عاملی / ج 4 / ص 165 --- کشف الاسرار و عده الابرار / میبیدی / ج 3 / ص 628 --- مخزن العرفان در تفسیر قران / بانوی اصفهانی / ج 10 / ص 163 (به نقل از ملاصدرا) --- بحر العلوم / سمرقندی / ج 1 / ص 520 --- معالم التنزیل فی تفسیر القرآن / بغوی / ج 2 / ص 197 .
- [25]. التفسیر الواضح / حجازی / ج 1 / ص 722 .
- [26]. التحریر والتنویر / ابن عاشور / ج 8 / ص 124 .
- [27]. تفسیر الکاشف / ج 3 / ص 339، فی ظلال القرآن / سید قطب / ج 3 / ص 1297.